

پرفروغ و گرمابخش همچون خورشید خوزستان

روایتی از زندگی فرمانده شهید غلامرضا محرابی

سپاهی برای حراست

فاطمه بهمنی نیا

غلامرضا محرابی، ۲۱ خرداد سال ۱۳۴۰ در شهرستان رامهرمز به دنیا آمد. رامهرمز، شهرستانی با میدانی نفتی و سابقه‌ای باستانی و کهن در تاریخ تمدن ایران به شمار می‌رود. او در خانواده‌ای مؤمن و مذهبی تربیت شد و از کودکی در مسیر پرورش و رشد کمالات اخلاقی و انسانی قرار گرفت. هم کمک کار خانواده بود و هم در برابر جامعه خود احساس مسئولیت داشت.

در سال‌های آغازین جوانی‌اش به مبارزات انقلابی پیوست و از میانداران نهضت امام خمینی(ره) در منطقه خود بود. پس از پیروزی انقلاب هم در سال ۱۳۵۹ با دلبستگی به حفظ انقلاب و نظام مکتبی برآمده از آن، در سن ۱۹سالگی به سپاه پیوست.

«جنگ» پله‌ای برای ترقی بود

جنگ که شروع شد، غلامرضا در جبهه بود، مثل بیشتر سربازان پاکباز حضرت روح‌الله که گمشده‌شان در خاکریز و سنگر بود. غلامرضا محرابی در طول هشت سال جنگ ایران و عراق به عنوان فرمانده نظامی خدمت کرد. او از همان زمان، به موازات درخشان تجربه و توانمندی و تسلط خود در راهبری نیروها و دید راهبردی در حوزه اطلاعات و عملیات جنگ، پله‌پله در مسیر ارتقای جایگاه خود قرار گرفت و مراتب را به سرعت طی کرد. طی سال‌های خدمت به کشورش، در مسئولیت‌های جانشین واحد اطلاعات تیپ ۴۳ بیت‌المقدس، معاون اطلاعات واحد اطلاعات تیپ ۴۳ بیت‌المقدس، معاون اطلاعات عملیات‌های قرارگاه‌های کربلا، بدر و نجف و فرماندهی تیپ ۱۶ امام حسن عسکری(ع) به مجاهدت پرداخت و متفخر به در یافت دو مدال فتح از فرماندهی معظم کل قوا شد.

محرابی یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که با سابقه‌ای درخشان در عرصه اطلاعات و عملیات نظامی، نقش کلیدی در تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایفا کرد.او در دوران خدمت خود به‌ویژه در تقویت بنیه اطلاعاتی و امنیتی نیروهای مسلح کشور، دستاوردهای زیادی داشت.

او در دوران دفاع مقدس در عملیات‌های مختلف آفندی و دفاعی حضور داشت و در تقویت استراتژی‌های اطلاعاتی نقش آفرینی کرد. تخصص‌های او در زمینه فرماندهی عملیات‌های پیچیده اطلاعاتی و امنیتی، به پیروزی‌های سپاه در جبهه‌های جنگ کمک شایانی کرد. محرابی از فرماندهان دوران دفاع مقدس بوده؛ نسلی که در میدان‌های خونین جنوب و غرب ایران آینده‌شده. از همان ابتدا، چهره‌ای متفاوت در میان فرماندهان نظامی داشت؛ ذهنی تحلیلگر، دقیق و عمیق که بیشتر از نقشه‌ها، در نقشه‌ها، در جملات طرح‌ریزی عملیات

و در رمزگشایی از رفتار دشمن مؤثر بود. از نگاه همرزمانش، او نه‌فقط یک فرمانده، بلکه یک متفکر امنیتی تمام‌عیار بود. توان و تسلط چشمگیرش در امر اطلاعات عملیات، چنان شاخص و برجسته بود که او از همان آغاز، تخصص و تمرکز خود را بر آن نهاد. اگرچه ضرورت و اقتضای کار اطلاعاتی و امنیتی و نیز شخصیت خودساخته و مخلص او، مانع شناخته شدن و شهرت هر گونه اقدام و سر و صدایی شده بود و او همیشه گمنام و بی‌نشان، بزرگ‌ترین کارها را برای جنگ و سپاه می‌کرد، با این حال از ارکان مسلم تقویت و توسعه توان اطلاعاتی در عملیات‌ها و در دوران پس از جنگ هشت‌ساله بود.

«دانش بومی» گامی در راستای خودکفایی

غلامرضا محرابی پس از پایان دفاع مقدس در سال ۱۳۷۰ به درجه سرتیپی نائل شد و پس از آن در مسئولیت‌های مهمی چون ریاست اداره اطلاعات ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهی دانشکده دوره عالی سپاه، ریاست اداره امنیت معاونت اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح، جانشینی معاونت اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح و معاونت اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح، در تقویت و ارتقای توان دفاعی و تدوین و تعریف ساختار نوین نظامی کشور در دوران پساجنگ و بسترسازی محور مقاومت منطقه‌ای، با هوشمندی و توان طراحی استراتژیک و چشم‌اندازسازی خود، نقش آفرین بود.

یکی از برکات حضور محرابی، تثبیت و ترویج نگاه دانش‌محور به فناوری و صنعت دفاعی نظامی کشور بود. نگاه او راهگشا و عرصه‌آفرین بود چراکه بر بومی‌سازی دانش‌بنیان در حوزه فناوری داخلی دفاعی متمرکز بود و تنها راه پیشرفت و موفقیت را در همین امکان‌سازی و میدان دادن برای تحقق و فعلیت بخشیدن خلاقیت‌ها، ابتکارات، قابلیت‌ها و توسعه و تکامل ظرفیت‌های بومی

و داخلی می‌دانست. او با تکیه بر تجربه طرح‌ریزی دقیق عملیات والفجر ۸ و محاسبه علمی جزر و مد ارون‌درد و تجارب درخشان دیگری از خودکفایی و بومی‌سازی دانش در میدان، تأکید داشت که در بسیاری از حوزه‌ها، دانش نظامی ایران از فناوری‌های رایج آن زمان پیشی گرفته بود. نگاه او به جنگ، صرفاً میدان درگیری نبود، بلکه عرصه‌ای از ابتکارات علمی، فناوری‌های بومی و هماهنگی پیچیده میان نیروها و علوم مختلف بود.

جنگ با تفنگ نیست

محرابی از نسل نخبگانی بود که جنگ را صرفاً با تفنگ نمی‌دید، بلکه با ذهن و دانش آن را هدایت می‌کرد. او به‌عنوان معاون اطلاعات ستاد کل، از عناصر کلیدی طراحی سیاست‌های دفاعی، رصد تهدیدات فرمانطقه‌ای و توسعه ساختارهای اطلاعاتی نیروهای مسلح بود. وی در نشست‌های تخصصی بارها بر اهمیت «سطح عملیات» به عنوان مفهوم بومی در نظریه‌های جنگ تأکید کرده بود. محرابی همچنین در کنار سرلشکر باقری، یکی از طراحان اصلی گسترش همکاری‌های دفاعی ایران با چین بود. در سفر تاریخی سال ۱۳۹۸ به پکن، او به عنوان مغز اطلاعاتی هیئت ایرانی در نشست‌های فشرده با ارتش چین حضور داشت. او نقش ویژه‌ای در تقویت دکترین امنیت آسیایی داشت؛ ایده‌ای که بر پایه همکاری قدرت‌های مستقل برای مهار تهدیدات مشترک طراحی شده بود.

ژنرالی که سرباز مقابله با داعش بود

با وجود همه سمت‌های مهمی که سردار محرابی داشت و کارهای شاخصی که انجام می‌داد، این ژنرال قذر، رفتارش به گونه‌ای بود که همواره خودش را تا حد یک سرباز عادی پایین می‌کشید و به این سربازی خویش اقتضای حق می‌کرد. با آنکه یک نظامی تأثیرگذار بود، اما باور عمیق داشت که برای حفظ وطن، باید از ماجراجویی و جنگ پرهیز کرد و هم‌زمان تلاش می‌کرد بنیه دفاعی و امنیتی کشور را روزبه‌روز ارتقا دهد. اهدافش اقتدر متعالی بود که با تمام وجود، روی آنها تمرکز می‌کرد و هرگز پلکنی برای آنان که پرده استتار بر اهداف‌شان کشیده شده بود، نمی‌شد.

صرف‌نظر از نوع شغلش و با وجود فرصت‌هایی که داشت، هرگز برای حتی نزدیک‌ترین بستگانش، بانی محور رانت نامشروع نشد. ابایی نداشت که او را چگونه قضاوت می‌کنند و به صورت کاملاً تخصصی به وظیفه خود مشغول بود. اقتدر ساده می‌نمود که در توقع و تقاضای راه هم سرمنده می‌کرد. خیلی از دوستان و نیروهای او به مراتب فراتر از او نشان داده شدند و او هرگز غیبطه از همان ابتدا، چهره‌ای متفاوت در میان فرماندهان نظامی داشت؛ ذهنی تحلیلگر، دقیق و عمیق که بیشتر از نقشه‌ها، در نقشه‌ها، در جملات طرح‌ریزی عملیات

غلامرضا محرابی به موازات فعالیت‌های داخل کشور، در کنار حاج‌قاسم سلیمانی و سایر مدافعان حرم تلاش زیادی کرد عراق و سوریه به دست داعش نیفتد و در این راه پرخطر هم موفق شدند. داعش ابتدا منطقه وسعی از سوریه و عراق را در اختیار داشت و هدف آن در قدم اول، تصرف تمام عراق و منطقه شامات بود، اما شبه‌جزیره عربستان و شمال آفریقا و اندلس تا خراسان بزرگ نیز در نقشه تیرسیمی آنها وجود داشت. داعش نخستین بار در خلال جنگ داخلی سوریه اعلام موجودیت کرد. این گروه با دیگر معارضان مسلح و گروه‌های جهادی مثل النصرة درگیر شد، سپس به عراق نیز وارد شد و فعالیت خود را در آنجا نیز گسترش داد. داعش در سوریه در اوایل سال ۲۰۱۴ متحمل شکست‌هایی در مقابل جبهه‌النصره شد، اما در ژوئن ۲۰۱۴ موصل، دومین شهر بزرگ عراق را به تصرف خود درآورد.

ردیابی نیروهای تکفیری در همه جا

اطلاعات سپاه پاسداران، نقش کلیدی در مبارزه با داعش ایفا کرد. این نقش شامل جمع‌آوری اطلاعات، شناسایی و ردیابی هسته‌های داعش و همچنین همکاری با سایر نیروهای مبارزه با تروریسم برای مقابله با این گروه تروریستی بود. اطلاعات سپاه با استفاده از منابع مختلف، اطلاعات دقیقی در مورد هسته‌های داعش، فعالیت‌ها، برنامه‌ها و تحرکات آنها جمع‌آوری کرد. این اطلاعات به شناسایی تهدیدات و برنامه‌ریزی برای مقابله با آنها کمک زیادی کرد. با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده، اطلاعات سپاه موفق به شناسایی و ردیابی هسته‌های داعش در مناطق مختلف شد. این ردیابی شامل شناسایی افراد، مخفیگاه‌ها و مراکز فعالیت آنها بود. اطلاعات سپاه در همکاری با سایر نیروهای مبارزه با تروریسم، اطلاعات را به اشتراک گذاشت و در عملیات‌های مشترک برای مقابله با داعش شرکت کرد. این همکاری شامل تبادل اطلاعات،

پشتیبانی لجستیکی و عملیات‌های مشترک بود.

اطلاعات سپاه در بسیاری از موارد موفق به خنثی‌سازی توطئه‌ها و حملات تروریستی داعش شد. این اقدامات شامل شناسایی بمبگذاران انتحاری، خنثی‌سازی بمب‌ها و جلوگیری از حملات تروریستی بود. اطلاعات سپاه با حمایت‌های اطلاعاتی و لجستیکی خود، از نیروهای مقاومت محلی که با داعش مبارزه می‌کردند، پشتیبانی می‌کرد. این حمایت‌ها شامل آموزش، تجهیزات و پشتیبانی اطلاعاتی بود. سردار غلامرضا محرابی به عنوان معاون اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح در انجام تمام این فعالیت‌ها علیه داعش، نقش ویژه و ارزنده‌ای داشت.

داعش که به اعتراف رئیس‌جمهور سابق آمریکا از سوی دولت این کشور تأسیس و حمایت شد، در مدتی کوتاه توانست در سه استان صلاح‌الدین، نینوا و الانبار، شهرهای بزرگی مانند کربلا و موصل را تسخیر کند و جناپاتی را بروز داد که مردم بی‌گناه سوریه و عراق مانند آنها را از اجدادشان نیز نشنیده بودند. در شرایطی که کشورهای مدعی مقابله با تروریسم با انجام اقداماتی نمایشی علیه داعش در سوریه و عراق حضور داشتند و در خفا از آن پشتیبانی مالی و اطلاعاتی و تسلیحاتی به عمل می‌آوردند، سپاه قدس به فرماندهی سردار حاج‌قاسم سلیمانی در کنار ملت‌های مسلمان عراق و سوریه ایستاد و با ایثار جان بهترین جوانان این دوران، ضربات اساسی به پیکره داعش وارد کرد، چنانکه خبرگزاری آسوشیتدپرس هم اعتراف کرد سردار سلیمانی و سپاه قدس در خط‌مقدم مقابله با داعش بود و در جلوگیری از

اقدامات سپاه نه‌تنها سایه شوم تروریست‌های تکفیری را از سر مردم بی‌گناه غرب آسیا برداشت و نه‌فقط مانع تعرض حتمی داعش به تمامیت ارضی ایران و تکرار جنایات‌شان در خاک کشورمان شد، بلکه نقشه پیچیده امریکا برای «خاورمیانه بزرگ» را نقش بر آب کرد و ۷تیلیون دلار کاخ سفید را به اعتراف رئیس‌جمهور امریکا بر باد داد.

سپاه پاسداران به‌ویژه در سال‌های اخیر، نقش فعالی در

مقابله با گروه‌های تروریستی ایفا کرد. علاوه بر اینکه در جنگ‌های مختلفی مانند جنگ با داعش در سوریه و عراق، سپاه به عنوان نیرویی مهم در مبارزه با این گروه‌های تکفیری شناخته شد، در داخل کشور نیز با همکاری سایر نهادهای امنیتی، به مقابله با تهدیدات تروریستی از سوی گروه‌های مختلف پرداخت. سپاه در طول تاریخ خود، نقش مهمی در مقابله با گروه‌های ضدانقلاب، احزاب مخالف و سایر نهادهای ضدنظام ایفا کرده است. این گروه‌ها عمدتاً سعی در برهم زدن ثبات داخلی ایران و تضعیف جمهوری اسلامی داشتند.

دشمن بیگار نبود

دشمنان قسم‌خورده ملت ایران پس از تجربه جنگ تحمیلی هشت‌ساله، هیچ‌گاه شهامت آغاز یک جنگ تمام‌عیار را علیه نظام انقلابی جمهوری اسلامی نیافتند، اما در عوض تا جایی که توانستند، توطئه کردند تا این دژ استوار را از درون متلاشی کنند. آنها با برنامه‌ریزی‌های دقیق و پیچیده و آموزش مزدوران خود در داخل، فتنه‌ها و واغاله‌های مختلفی در درون کشور ایجاد کردند که بزرگ‌ترین آنها در دهه‌های اخیر، فتنه سبز در سال ۱۳۸۸ و اغتشاشات ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ بود.

در این زمینه هم سپاه همگام با سایر مدافعین امنیت به میدان آمد و از بسیاری توطئه‌ها پیش از وقوع، جلوگیری و با بسیاری دیگر مقابله کرد، اما افسوس که در این مورد خاص، هم مورد غصب و کینه دشمنان خارجی قرار گرفت و هم با طعن و کتایه جریان غرب‌گرای داخلی مواجه شد.

«سپاه» شاه‌کلید مبارزه با تروریسم

سپاه به‌ویژه در مرزهای ایران با کشورهای همسایه، فعالیت‌های گسترده‌ای دارد تا از قاچاق کالا، مواد مخدر و تهدیدات امنیتی دیگر جلوگیری کند. نیروهای سپاه در جنوب شرقی ایران، به ویژه در مرز با افغانستان و پاکستان، به مبارزه با قاچاق مواد مخدر و گروه‌های تروریستی می‌پردازند و به‌عنوان یک نیروی فراملی و منطقه‌ای، علاوه بر تأمین امنیت داخلی، در تأمین امنیت و ثبات در کشورهای همسایه و منطقه نیز فعال هستند.

ایران به دلیل موقعیت استراتژیک خود در منطقه،



همواره با تهدیدات مختلفی از سوی کشورهای خارجی، گروه‌های تروریستی و تحولات سیاسی در کشورهای همسایه مواجه بوده است.

پس از بحران‌های امنیتی در عراق و سوریه، سپاه نقش کلیدی در مبارزه با گروه‌های تروریستی همچون داعش و جبهه‌النصره داشت. حضور مستشاری سپاه در این کشورها نه‌تنها به مبارزه با تروریسم کمک کرد، بلکه به تثبیت موقعیت ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه نیز یاری رساند. سپاه پاسداران به‌ویژه از طریق شاخه قدس که مسئول عملیات‌های برون‌مرزی است، از گروه‌های مسلح نیابتی و مقاومت در کشورهای مختلف خاورمیانه همچون حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن و سایر

گروه‌های شیعه در عراق و سوریه حمایت کرد. این گروه‌ها در بسیاری از موارد، علیه نیروهای متجاوز به مسلمانان و مظلومان ایران و جهان را تهدید می‌کنند، فعالیت می‌کنند و در تمامی این کارها در حافظه راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران و سپهر دفاع مقدس، نام پرآوازه سردار سرلشکر پاسدار غلامرضا محرابی همچون مهر تابان می‌درخشد؛ فرماندهی که در سطوح اطلاعات، امنیت و نظریه‌پردازی دفاعی، نقش بی‌بدیلی ایفا کرد و میراث او همچنان راهنمای نسل جدید است. او نه‌تنها در میدان نبرد حضوری مؤثر داشت، بلکه از پایه‌گذاران تحول در ادبیات نظامی و اطلاعاتی ایران بود.

حمله‌ای از روی ترس

سپاه پاسداران به‌ویژه در عرصه مقابله با اسرائیل، نقش برجسته‌ای دارد. از جمله فعالیت‌های سپاه در این راستا می‌توان به حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی اشاره کرد که علیه سیاست‌های رژیم جعلی اسرائیل فعالیت می‌کنند، همچنین سپاه را در برابر تهدیدات اسرائیل تقویت کرد. همین مسئله، توسعه قدرت موشکی خود، توانمندی‌های نظامی ایران را در برابر تهدیدات اسرائیل تقویت کرد. همچنین سپاه با موجب ایجاد ترس در دل دشمن بذل شد و به خیال خودش برای جلوگیری از افزایش قدرت موشکی ایران، دست به اقدامی جنون‌آمیز زد و با تصمیمی نسنجیده و نابخردانه، اقدام به حمله همه‌جانبه از طریق هوا و همچنین نیروهای نفوذی‌اش در داخل کشور به وسیله ریزپرنده‌ها و پهپادهای انتحاری کرد.

در میان شهدای عالی‌رتبه حمله صهیونیستی، نام یکی از فرماندهان کمتر دیده‌شده اما بسیار تأثیرگذار در عرصه امنیت ملی ایران، بیش از دیگران توجه تحلیلگران را جلب کرد؛ سردار غلامرضا محرابی، معاون اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح که همراه با جمعی از هم‌زمانش به فیض شهادت نائل شد. سردار محرابی از فرماندهان جبهه دفاع مقدس بود؛ مردی که با میدان آشنا، اما انتخابیخبر برای مسئولیت‌های اطلاعاتی، به خاطر توان تحلیلی و راهبردی‌اش بود. این حملات که زیرساخت‌های نظامی و اطلاعاتی را در داخل و اطراف تهران و همچنین سایر مکان‌ها هدف قرار داد، به شهادت چند مقام عالی‌رتبه ایرانی، از جمله سردار محرابی و

سردار مهدی ربانی، معاون رئیس عملیات منجر شد.

وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران پس از این فاجعه تروریستی، سردار سرلشکر شهید غلامرضا محرابی را به‌عنوان یکی از معماران بازدارندگی دفاعی کشور معرفی کرد. شهادت او اگرچه ضایعه‌ای بزرگ برای نیروهای مسلح و محور مقاومت بود، اما خون پاک او همچون یار همراهش سردار شهید ربانی و دیگر سرداران شهید این جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، سرمایه و گنجینه‌ای بزرگ و ماندگار برای فرهنگ جهاد و شهادت شد.

شهادت او ضایعه‌ای بزرگ برای نیروهای مسلح بود، اما میراث او در حوزه اطلاعات و امنیت، راهگشای آینده خواهد بود. بسیاری از افسران اطلاعاتی نسل جدید، تربیت‌شدگان مکتب فکری او هستند؛ مکتبی که امنیت را نه در واکنش‌های سطحی که در شناخت عمیق، در تحلیل داده‌ها و در طراحی‌های پیش‌دستانه می‌بیند. روایت‌های اطرافیناش از او، حکایت از فرماندهی دارد که همواره در کنار نیروهایش بود، با آنها زندگی می‌کرد و دغدغه‌های فردی‌شان را جدی می‌گرفت.

خوزستان تا همیشه پای کار نظام می‌ماند

آیین تشییع پیکر مطهر سردار شهید غلامرضا محرابی و چند تن از شهدای حمله تروریستی رژیم صهیونیستی، روز جمعه هفتم تیر ماه پس از اقامه نماز عبادی-سیاسی جمعه در اهواز برگزار شد. این مراسم از مصلاي بزرگ مهدیه امام خمینی (ره) آغاز و تا چهارهار آبادان ادامه یافت. مردم خوزستان با حضور پر شور خود، بار دیگر وفاداری و قدردانی خود را نسبت به رشادت‌های شهیدان نشان دادند. در این مراسم، حاج‌صادق آهنگران به مدیحه‌سرایی پرداخت و نماز میت بر پیکر شهید به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدنصی موسوی فرد، نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه اهواز اقامه شد.

پیکر شهید غلامرضا محرابی در نهایت در کنار دیگر شهدای دفاع مقدس در قطعه ۲۴بهشت زهراي تهران به خاک سپرده شد. مردم با شعارهای «محرابی محرابی شهادت مبارک»، «محرابی محرابی راحت ادامه دارد»، و «مرگ بر رژیم صهیونیستی»، حمایت قاطع خود را از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و این مسیر عزت و افتدار اسلام کردند و بر حقانیت راهی که این سردار بزرگ اسلام و ایران و شهیدان هم‌رزم و همراهش با خون فریض تقدس و دناوم بخشیدند، مهر تأیید زدند.

عطری که از خاطره‌ها برمی‌خیزد

سحرگاه خنوبن ۲۳خرداد ۱۴۰۴، هنگام ادای عهده‌ی عاشقانه خود میان یک محب صادق پاکباز و معبودش که عمری در وفای این عشق، خالصانه و صادقانه به جان کوشیده بود و جان شیرین را در میدان‌های خوف و خون و خطر، مردودش بر سر دست گرفته بود را تاثرات خورشید سازد. سرلشکر پاسدار شهید غلامرضا محرابی، چهره آشنای سال‌های دفاع مقدس و هم‌رزم سردار شهید سیاف‌زاده، شهید مرشد فاتح خرمشهر و خیبر و فواف مانده بود تا جودش تجسمی باشد از این کارکنیف راه‌پایری که به خون هزاران شهید طریق‌القدس، تقدس یافته و می‌رود تا مسیر آینده تاریخ و جهان بشریت را رقم بزند. شهادت او اگرچه در کنار فکاتاد بزرگ‌ترین و بلندآوازه‌ترین سنگرگنان امنیت و اقتدار ایران، خسارتی بزرگ برای ایران است، اما روشنگر راهی است نورانی که جز با مشعل شهادت، فیض و فروغی چنین جانانه و جاوید نمی‌گیرد.

اسمش جنگ اسرائیل بود، اما به قول فریدریش مرس، صدراعظم آلمان، «اسرائیل کارکنیف راه‌پایری همه‌مانجم می‌دهد»، یعنی همه آنها قسمت کنیفش را به اسرائیل سپرده بودند. در این حمله ناچوانمر دانه، افراد شاخص و نامداری به صورت دستچین شده، از سوی دشمن به شهادت رسیدند. خیلی از نامه‌ها، هم صاحب جایگاه بودند، هم همیشه در صدر رسانه‌ها قرار داشتند، هم مردم آنها را می‌شناختند. در میان این شهدا، اما شهید محرابی حتی در بین یستگان خود هم گمنام بود. اصلا سیره او منطق بر همین گمنامی بود؛ علاقه‌ای به رسانه‌ها نداشت، اما چون عمیقاً در یافته بود رسالت یک نظامی، جار و جنجال در رسانه‌ها نیست. نه فریب دانش‌بنیان‌نامه‌ها را خورد و نه علاقه‌ای داشت که خود را نابغه و نیروی ذی‌نفوذ در نظام نشان دهد. سردار غلامرضا محرابی در همه عمر پریرکت خود کوشید تا اولایتمدار باشد و ولایتمدار بمیرد. او که اسطوره‌های گمنام بود، در عصر خودش و تا پس از شهادتش کسی به گوهر وجودی او پی نبرده بود. تازه بعد از شهادت، بختش‌های کوچکی از تلاش‌های شبانه‌روزی این شهید بزرگ برای سربلندی ایران عزیز بازگو شد. اگرچه شهید محرابی به نزد دوستانش در بهشت برین شناخته، اما کوچک‌پس کوچ‌های رامهرمز، هفتگل و سجدسلیمان هنوز به یاد صمیمیت و افتادگی او عطر خاطره می‌افشانند.

محلہ کوت‌عبدالله، کارون و زیتون کارمندی هنوز به یاد قدهایش به خود می‌بالند. بهمنی‌ها و هم‌تباران کمای‌اش با افتخار از رشادت‌های او در پاسداری از میهن عزیز یاد می‌کنند. رامهرمز و خوزستان به داشتن چنین فرزندی افتخار می‌کنند و نسل‌های جدیدتر پسران پسران به دنبال راز گمنامی این سردار خوشنام هستند؛ مرد بزرگی که در گمنامی‌اش، مظلومیت خوزستان، در کم‌توقعی‌اش، قناعت‌ایلباتی بهمنی و در بزرگی‌اش، بزرگی ایران نهفته بود.



حضور شهدای عالی رتبه | جوان